

اتحادیه اروپا و حقوق بشر ایران و بحرین: تحلیل مقایسه‌ای



محمودرضا گلشن پژوه

زهرا الوندی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

mrp_1@yahoo.com

دکترای روابط بین‌الملل و کارشناس مسائل حقوق بشر

پژوهشگر مطالعات حقوق بشر.

تاریخ تصویب: ۹۴/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۹

فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴، صص ۸۴-۶۳.

چکیده

در چند دهه اخیر، بخش مهمی از روح حاکم بر روابط میان اتحادیه اروپا با سایر کشورها را مسائل و مباحث حقوق بشری تشکیل می‌دهد. اتحادیه اروپا، با انعقاد پیمان ماستریخت (سال ۱۹۹۲)، شرط احترام به حقوق بشر را در روابط خود با کشورهای جهان سوم، به عنوان عنصر ضروری، وارد نموده و نسبت به مسائل حقوق بشری حساسیت فراوانی نشان می‌دهد. این امر در خصوص روابط اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز صادق بوده است. مقاله حاضر، در پی بررسی تطبیقی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی بحرین است. این مقاله در تلاش است به شیوه‌ای تطبیقی نقض استانداردهای حقوق بشری موردنظر و تعریف شده، از سوی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و بحرین را تحلیل و تاثیر رفتار آن بر سیاست خارجی این اتحادیه در قبال این دو کشور را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اروپا، سیاست حقوق بشری، جمهوری اسلامی

ایران، بحرین

مقدمه

اتحادیه اروپا موفق‌ترین الگوی همگرایی منطقه‌ای و یکی از پر نفوذترین سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌رود. در دوران جنگ سرد، اتحادیه اروپا در سیاست خارجی خود علاوه بر پیگیری اهدافی چون امنیت ملی و توسعه اقتصادی، مسائل حقوق بشری را نیز مدنظر داشته است. اتحادیه اروپا برخلاف سایر قدرت‌ها، مدعی است از قدرت نرم به جای قدرت سخت در دیپلماسی خود استفاده می‌کند و همچنین جهانی‌سازی حقوق بشر را مبنای اصل ایدئولوژیک سیاست خارجی خود قرار داده است. این امر تا حدی است که احترام به حقوق بشر، به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا بدل شده است. تعدد نهادها و معاهداتی در اروپا که در آن مفاهیم، مقررات و ابزارهای حقوق بشری مورد توجه واقع می‌شوند و رشد کمی و کیفی بندهای حقوق بشری در معاهدات اقتصادی اتحادیه اروپا با دیگر شرکای تجاری خود، شاهدی بر این مدعا است. همچنین در اسناد مربوط به سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا نیز مسئله حقوق بشر مورد تایید قرار گرفته است. پیمان ماستریخت و معاهده آمستردام، توسعه و تحکیم دموکراسی و حکومت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را از اهداف سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه (پاراگراف ۵، بند ۱، ماده ۱، پیمان ماستریخت و معاهده آمستردام) ذکر می‌کنند. علاوه بر آن، ماده ۶ معاهده آمستردام تصریح می‌کند که اتحادیه اروپا بر پایه اصول مسلمی از جمله احترام به حقوق بشر بنا شده و کشورهای عضو در صورتی که به طور مستمر این اصول را در سیاست داخلی و روابط خارجی خود نقض نمایند، از برخی حقوق خود در اتحادیه محروم خواهند شد. از آنجا که مباحث حقوق بشر در جهان امروز و تبدیل آن به یک

دغدغه عمومی، میان نخبگان سیاسی، فکری و اجرایی جامعه بشری در کشورهای حوزه خلیج فارس بالاخص جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و پادشاهی بحرین نیز تاثیرگذار بوده و با توجه به اینکه پژوهش‌های لازم در ارتباط با بررسی تطبیقی الگوی رفتاری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از منظر حقوق بشر قبلا صورت گرفته است، لذا واکاوی و بررسی تطبیقی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و بحرین در عرصه روابط بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به گستردگی موضوع و همچنین دقت پژوهش، بازه زمانی ۲۰۰۸ میلادی تا ۲۰۱۴ در نظر گرفته شده است. در این مقاله تلاش می‌شود به سؤال اصلی مبنی بر بررسی تطبیقی نقش نقض استانداردهای حقوق بشری تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا، به عنوان متغیر مستقل بر سیاست خارجی این اتحادیه، در قبال جمهوری اسلامی ایران و بحرین، به عنوان متغیرهای وابسته، به بحث پردازد. در راستای پاسخ به سؤال اصلی، این فرضیه مطرح می‌شود که نقض (ادعایی) استانداردهای حقوق بشری تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا توسط جمهوری اسلامی ایران، موجب کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی و نیز قطع روابط نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا شده است، حال آنکه نقض همان استانداردها توسط بحرین تاثیری بر سطح روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی اتحادیه اروپا با این کشور نداشته است. رویکرد نظری مقاله حاضر، براساس چهارچوب نظری نهادگرایی نولیبرال مورد بررسی قرار گرفته و این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

رویکرد نظری مقاله حاضر متکی بر نظریه نهادگرایی نولیبرال است. چرایی انتخاب این نظریه به عنوان چهارچوب نظری، به آن دلیل است که مقاله قصد دارد سیاست خارجی یک سازمان مانند اتحادیه اروپا را در قبال جمهوری اسلامی ایران و بحرین را از منظر حقوق بشر بررسی نماید. این نظریه نگاه ویژه‌ای به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دارد و به نقش آن در بین کشورها و هم درون کشورها اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. تاکید بر مولفه‌های منفعت، عقلانیت، همکاری در ابعاد گوناگون سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نزدیکی این مولفه‌ها با گزاره اصلی نهادگرایی نولیبرال و قرابت هرچه بیشتر مولفه‌های فوق با نهاد قدرتمندی همچون اتحادیه

اروپا، دلیل عمده برگزیدن این نظریه به عنوان چهارچوب نظری در مقاله پیش‌روی است. نظریه نهادگرایی نولیبرالیسم، ترکیبی از نورئالیسم و نوکارکردگرایی است. در این راستا، فرض می‌شود کشورهای اروپایی اصولاً لیبرال بوده و همواره به همکاری و ارزش‌های حقوق بشری اهمیت زیادی می‌دهند. از طرفی، اتحادیه اروپا به عنوان کنشگر عقلانی درمی‌یابد که باید به همکاری روی آورد و سود و منافع خود را از طریق آن افزایش دهد، اما از منفعت به مفهوم رئالیستی آن بهره‌برداری می‌کند. همچنین از آنجایی که تعهدات و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری، عناصری ارزشی هستند، از این‌رو اتحادیه اروپا به شیوه‌ای هوشمندانه سعی می‌کند از دموکراسی و ارزش‌هایی که بر طبق این چهارچوب بوده است، در جهت رسیدن به منافع خود استفاده ابزاری نماید.

۱. ترتیبات اتحادیه اروپایی موثر در عرصه حقوق بشر

اروپا دارای یکی از منسجم‌ترین ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در سراسر جهان است. در اسناد و منابع قانونی پایه تشکیل اتحادیه اروپا، پایبندی به معیارهای حقوق بشر از جمله مبانی وجودی این شکل‌گیری عنوان شده است. این منابع قانونی شامل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، منشور اجتماعی اروپا، کنوانسیون چهارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی و کنوانسیون اروپایی منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز است. علاوه بر این اسناد، اتحادیه اروپا با استفاده از نهادهایی نظیر شورای اروپا، کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا، دادگاه اروپایی حقوق بشر و سازمان امنیت و همکاری اروپا، نظام ویژه‌ای را در جهت ارتقا حقوق بشر در میان اعضای اتحادیه اروپا و در راستای تاکید حقوق بشری در تعاملات دو یا چندجانبه پدید آورده است. در این راستا، به طور مختصر به برخی از مهمترین نهادهای اروپایی اشاره می‌شود.

شورای اروپا اولین سازمان سیاسی میان دولت‌های اروپایی است که با هدف مساعدت برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو و به منظور حفظ و ترویج ایده‌ها و اصول مرتبط با میراث مشترک آنها، تاسیس شده است. افزون‌بر آن،

تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری درباره ابتکارهای عمده اروپایی برعهده شورای اروپا و وظیفه اجرای این سیاست‌ها و تصمیم‌ها برعهده ارگان‌های مدیریتی و اجرایی (کمیسیون اروپا و شورای وزیران) قرار گرفته است. شورای اروپا برای ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر، آزادی را تضمین می‌کند، در نتیجه احترام به حقوق بشر شرط عضویت در شورا شده و بدینوسیله سیستمی برای بدست آوردن ضمانت‌های جمعی حقوق بشر در اروپا سازمان داده شد.

پارلمان اروپا، یک نهاد قانونگذاری بسیار فعال اتحادیه اروپا است که از طریق صدور قطعنامه، تدوین گزارشات، طرح سئوالات و مسائلی که در کمیسیون اروپایی عنوان می‌کند، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری افکار عمومی در عرصه بین‌المللی ایفا می‌نماید. پارلمان اروپا دارای ۲۰ کمیسیون است که کمیسیون امور خارجی، حقوق بشر و سیاست خارجی و امنیتی مشترک یکی از مهمترین کمیسیون‌های آن به شمار می‌رود و مباحث حقوق بشری همواره از اولویت‌های آن به حساب می‌آید. در همین راستا کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپا نیز در سال ۲۰۰۴ میلادی برپا شد. این کمیته فرعی، مباحث و جلسات رسیدگی در خصوص همه انواع موضوعات حقوق بشری را برگزار می‌نماید و پس از نتیجه مذاکرات، گزارش‌ها و قطعنامه‌هایی تنظیم و تصویب می‌نماید. گزارش سالانه حقوق بشری^۱ در خصوص وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان توسط این کمیته فرعی پیش‌نویس و تنظیم می‌شود. مسئولیت‌های اصلی کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپایی شامل موضوعاتی در خصوص حقوق بشر، حمایت از اقلیت‌ها، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک در کشورهای جهان سوم است که در این زمینه کمیته امور خارجی^۲ توسط کمیته فرعی حقوق بشر^۳ همراه می‌شود. برخی کارشناسان اعتقاد دارند اقدامات پارلمان اروپا، برای متداول نمودن حمایت از حقوق بشر در اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای با دیدگاه گفتمان حقوق بشر جهانی قانونی شده‌اند. (Balducci, 2008: 61).

1. The Annual Human Rights Report.
2. Committee on Foreign Affairs.
3. Subcommittee on Human Rights.

کمیسیون اروپا نهاد دیگری است که معمولاً به عنوان سازمان اداری یا قوه مجریه اتحادیه اروپا دیده می‌شود و در واقع مجری سیاست‌های شورا و مصوبات پارلمان اروپا است. همچنین در میان نهادهای اتحادیه اروپا، کمیسیون برای میانجی‌گری و مصالحه‌جویی، موقعیت ممتازی را داراست. یکی از دلایل این است که از کمیسیون به عنوان یک عضو بی‌طرف یاد می‌شود. لذا به نظرات آن با سوءظن و تردید کم‌تری نگریسته می‌شود، به همین دلیل ادعا می‌شود کمیسیون در بهترین موقعیت ارزیابی برای قضاوت افکار عمومی و کشورهای عضو درباره یک طرح یا پیشنهاد قرارداد (نیوجنت، ۱۳۹۳: ۳۲۰).

۲. الگوی رفتار حقوق بشری اتحادیه اروپا درباره ایران

سرعت و دامنه تحولات اساسی در عرصه بین‌المللی، بازیگران اصلی سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خود در نظام بین‌الملل به عمل آورند و راهبردها و راهکارهای مناسبی را تدبیر کنند. نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا در صحنه بین‌المللی از مهمترین تحولات و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از عمده‌ترین بازیگران منطقه خلیج فارس، از این تحولات تاثیر می‌پذیرد و همانند سایر بازیگران، به دنبال جلب منافع خود از رهگذر اثرگذاری بر ساختارهای نظام در حال تکوین است (خالوزاده، ۱۳۸۲: ۳۷).

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رفتار اتحادیه اروپا در قبال ایران با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در ارتباط با روابط حقوق بشری اتحادیه اروپا با ایران، می‌توان چهار دوره نظیر دوره تقابل خاموش، دوره گفت‌وگوهای انتقادی، دوره گفت‌وگوهای جامع و دوره تعلیق گفت‌وگوهای جامع را در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به علت قرارگرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه استراتژیک هستند، اما جایگاه اتحادیه در نظام بین‌المللی و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت‌های متقابلی را برای برقراری یک رابطه تقویت شده با اتحادیه اروپایی به وجود می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران از نظر راهبردی در مرکز

ذخایر انرژی جهان واقع است و طولانی‌ترین سواحل را با حوزه منابع انرژی در دریای خزر دارد. همچنین از نظر موقعیت مرکزی، به دلیل واقع شدن در بین دو قاره آسیا و اروپا و نیز قرارگرفتن در میان کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز در شمال و کشورهای حوزه خلیج فارس در جنوب و واقع شدن در قلب ۷۵ درصد مجموع ذخایر نفت و گاز و انرژی، موقعیت بی‌نظیری در حمل و نقل کالا و ترانزیت انرژی دارد (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده است که از طریق تعمق روابط خود با ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه، حضور و نفوذ خود را در کل منطقه افزایش دهد. بنابراین تنظیم روابط با ایران از اهمیت اساسی برای اتحادیه برخوردار است. از ابتدای دهه نود، با توجه به متغیرات و تحولات بین‌المللی، نظیر فروپاشی بلوک شرق، حذف پیمان ورشو، پایان جنگ سرد، پیوستن کشورهای بلوک شرق به اتحادیه اروپا و ناتو، دکترین نظم نوین جهانی امریکا و تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر، اتحادیه اروپا مایل است روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران از نو تعریف کند. البته در این روند عوامل بازدارنده و محدودیت‌زایی مانع از گسترش روابط میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا شده است. برنامه هسته‌ای ایران، اختلاف نظرهای اتحادیه اروپا و ایران در خصوص موضوعاتی مانند تروریسم، رویکرد غرب در تحولات خاورمیانه و حقوق بشر از جمله موانع بسط و گسترش روابط بین دوطرف بوده و لذا می‌توان گفت روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا براساس یک آهنگ منظم، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی شده پیشرفت نکرده و احتمال کندی یا توقف آن وجود دارد. با توجه به اختلاف نظری که بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بر سر برخی مسائل مانند حقوق بشر، صلح خاورمیانه، حق برخورداری از انرژی هسته‌ای و غیره وجود دارد، هر یک از این اختلاف‌ها می‌تواند مانع پیشرفت در روابط شود. در واقع عدم درک متقابل، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه نشدن روابط میان ایران و اتحادیه اروپا دارد. به بیان دیگر، توجه به اهمیت بهسازی تصویرها و برداشت‌ها در روابط ایران و اتحادیه اروپا که تحت‌تاثیر موضوعات سنتی موجود در دستورکار گفت‌وگوهای فیما بین قرار دارد، برای فضاسازی مجدد و اعتمادسازی متقابل بین دوطرف از اهمیت تعیین‌کننده‌ای

برخوردار است. لازم به ذکر است، در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا همکاری‌های تجاری با ایران را به مسائل سیاسی پیوند زده است. قبلاً رفتار کشورهای اروپایی در قبال ایران در مورد مسائل اقتصادی با امریکا متفاوت بود و کشورهای اروپایی تحریم‌های اقتصادی امریکا را نادیده می‌گرفتند و شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران می‌کردند، اما اکنون رفتار اتحادیه اروپا در مسائل اقتصادی نیز تغییر کرده است. به عنوان مثال اتحادیه اروپا امضای موافقتنامه همکاری و تجارت با ایران را موکول به تغییر رفتار ایران نسبت به مسائل یاد شده (حقوق بشر، خلع سلاح، تروریسم و برخی مسائل منطقه‌ای از قبیل صلح خاورمیانه) نموده است. انعقاد موافقتنامه تجارت و همکاری با اتحادیه اروپایی در ارتباط مستقیم با مذاکرات سیاسی است و اتحادیه اروپا بخصوص در دهه اخیر همواره بیان داشته است که چنانچه گفت‌وگوهای اقتصادی بخواهد منجر به تعمیق روابط با ایران بشود، باید در ارتباط نزدیک، موازی و همزمان با گفت‌وگوهای سیاسی پیش برود و مسائلی مانند موضوعات حاکمیت قانون، حقوق بشر نظیر حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و... دارای اهمیت و اولویت وافر برای اتحادیه اروپا بوده و بدون پیشرفت در این مسائل، انعقاد موافقتنامه اقتصادی عملی نخواهد بود. باید توجه داشت که گسترش روابط با اتحادیه اروپا آسان نخواهد بود و یک روند زمان‌بر و پرفرازونشیب است که در این راستا اعتمادسازی، اهمیت بسزایی در بهبودی و گسترش روابط دارد. متأسفانه اگرچه اعضای اتحادیه اروپا در بسیاری از موارد به خصوص در موضوعات سیاست خارجی و امنیتی مشترک با یکدیگر اجماع ندارند، اما در خصوص ایران با توجه به تقارن منافع در بین اعضا یکپارچگی و اشتراک نظر دیده می‌شود.

به منظور ارزیابی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از اسناد صادره از سوی اتحادیه اروپا (قطعنامه، بیانیه، اعلامیه و گزارشات) وجود دارد که مشخصاً توسط پارلمان و کمیسیون اروپا صادر شده‌اند و مورد مطالعه قرار گرفته است.

پارلمان اروپا، یکی از نهادهای فعال در زمینه انتقادات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بوده و همواره از طریق صدور قطعنامه و تدوین گزارشات نقش مهمی در منفی نمودن افکار عمومی در عرصه بین‌المللی ایفا نموده و همچنین

به طور غیرمستقیم بر قطعنامه‌های سازمان ملل تأثیرگذار بوده است. مقاله حاضر در ادامه به بررسی قطعنامه‌هایی که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ از سوی نهاد پارلمان اروپا، در رابطه با موضوعات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب و منتشر شده است، می‌پردازد. با توجه به اینکه بررسی تک تک قطعنامه‌ها و شرح آنها در این مقال نمی‌گنجد، لذا در مجموع قطعنامه‌های صادره از سوی نهاد پارلمان اروپا طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۴ در قالب جدول ذیل تهیه و مورد مطالعه قرار گرفته است. در مجموع ۱۴ قطعنامه از سوی پارلمان اروپا علیه ایران در ارتباط با موضوعات حقوق بشری منتشر شده است.

جدول ۱- فهرست قطعنامه‌های پارلمان اروپا در مورد موضوعات حقوق بشر در ایران

#	شماره قطعنامه	تاریخ قطعنامه	عنوان	موضوعات اصلی و ملاحظات
۱	P6-TA-2008-0031	۳۱ ژانویه ۲۰۰۸	وضعیت ایران	وضعیت حقوق بشر در ایران (مجازات مرگ و اعدام، سنگسار، ممنوعیت آزادی بیان، ممنوعیت آزادی عقیده و ممنوعیت آزادی مذهب) خصوصاً بهائیان و صوفیان مسئله هسته‌ای روابط ایران و اتحادیه اروپا
۲	P6_TA(2008)0185	۲۴ آوریل ۲۰۰۸	وضعیت حقوق زنان در ایران	نقض حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران تبعیض‌های جنسیتی و مجازات سنگسار تبعیض علیه زنان بالاخص در ارتباط با عدم برابری حقوق در ازدواج، طلاق، ارث و عدم انتصاب زنان به عنوان قاضی
۳	B6-2008-0327	۱۹ ژوئن ۲۰۰۸	اعدام متخلفان نوجوان در ایران	مرتبط با رویه محکومیت و مجازات اعدام متخلفان نوجوان
۴	P6-TA-2008-0412	۴ سپتامبر ۲۰۰۸	مجازات اعدام در ایران	رویه محکومیت قانونی و مجازات اعدام در کشور ایران
۵	P6-TA-2009-0029	۱۵ ژانویه ۲۰۰۹	پرونده شیرین عبادی	خواستار آزادی زندانیان سیاسی، عقیدتی و اقلیت‌های جامعه بهایی
۶	P7-TA-2010-0016	۱۰ فوریه ۲۰۱۰	وضعیت ایران	موضوع هسته‌ای روابط ایران-اتحادیه اروپا مباحث حقوق بشر، بیشترین بند (شامل ۱۲ بند) از قطعنامه را در برمی‌گیرد (آزادی زندانیان، فعالان سیاسی، مدافعان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان بعد از انتخابات ۲۰۰۹)
۷	P7-TA-2010-0310	۸ سپتامبر ۲۰۱۰	پرونده زهرا بهرامی و سکینه محمدی آشتیانی	وضعیت این دو فرد خاص (زهرا بهرامی و سکینه محمدی آشتیانی) موارد نقض حقوق بشر نظیر مجازات اعدام، سنگسار، ممنوعیت آزادی بیان، ممنوعیت آزادی عقیده و ممنوعیت آزادی مطبوعات
۸	P7-TA-2011-0021	۲۰ ژانویه ۲۰۱۱	پرونده نسرین ستوده	نظیر آزادی بیان، عقیده و آزادی مطبوعات آزادی زندانیان سیاسی، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر از جمله نسرین ستوده

وضعیت داخلی ایران پرونده هسته‌ای ایران حقوق بشر بیشترین بند آن (شامل ۲۷ بند) تبعیض شدید حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و مجازات اعدام اعدام اقلیت‌های جامعه بهایی، مدافعان حقوق بشر، وکلا، دانشجویان و روزنامه‌نگاران	رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران	۱۰ مارس ۲۰۱۱	P7-TA- 2011- 0096	۹
تاکید بر آزادی زندانیان فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر	نقض حقوق بشر در ایران	۱۷ نوامبر ۲۰۱۱	P7-TA- 2011- 0517	۱۰
نقض حقوق بشر در ایران به ویژه آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و مجازات اعدام مباحث هسته‌ای ایران	وضعیت و برنامه هسته‌ای ایران	۲ فوریه ۲۰۱۲	P7_TA(2 012)002 4	۱۱
نقض حقوق بشر از قبیل منع آزادی بیان، عقیده و اجتماعات و منع برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بین اقلیت‌های بهایی و صوفی	وضعیت اقلیت‌های قومی	۱۴ ژوئن ۲۰۱۲	B7- 2012- 0311	۱۲
آزادی زندانیان سیاسی و مدافعان حقوق بشر استقبال از آزادی نسرين ستوده و جعفر پناهی (برندگان جایزه ۲۰۱۲ ساخارف)	وضعیت حقوق بشر در ایران (تاکید بر موضوع اعدام گروهی و مرگ وبلاگ‌نویس ایرانی، ستار بهشتی)	۲۲ نوامبر ۲۰۱۲	B7- 2012- 2877	۱۳
مسائل منطقه‌ای و حوزه حقوق بشر (نقض‌های حقوق بشری در ایران نظیر ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی اطلاعات، ممنوعیت آزادی اجتماعات، ممنوعیت آزادی جنبش‌های مدنی، نقض حقوق زنان، مجازات اعدام، محاکمات ناعادلانه و قوانین کیفری، تبعیض‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی) مسئله هسته‌ای چشم‌انداز روابط ایران با اتحادیه اروپا	استراتژی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۳۱ آوریل ۲۰۱۴	B7- 0279/20 14	۱۴

در ادامه با توجه به اینکه براساس معاهده لیسبون، نماینده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا همزمان معاون ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا است، لذا در این مقاله مجموعه اسناد صادره حقوق بشری از سوی نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ذیل اسناد کمیسیون اروپا مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به پژوهش‌های انجام شده ۲۲ مورد اعلامیه و ۴۵ مورد بیانیه حقوق بشری از سوی این دفتر، علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ منتشر شده است. مهمترین موضوعات بیانیه، اعلامیه و گزارشات، مواردی نظیر حوادث بعد از انتخابات ۲۰۰۹ ریاست جمهوری، مجازات اعدام، سنگسار، اصلاح قوانین کیفری و قضایی، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی اطلاعات و آزادی اقلیت‌ها (جامعه بهایی و صوفی) را در برمی‌گیرد. اگرچه گزارش‌ها، بیانیه، اعلامیه و

قطعنامه‌های منتشر شده از سوی این پارلمان فاقد ضمانت اجرایی بوده و لازم‌الاجرا نیست، اما بیانگر دیدگاه‌های نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از طرفی تاثیر خود را بر ایران در عرصه بین‌المللی به جای خواهد گذاشت.

۳. الگوی حقوق بشری اتحادیه اروپا در رابطه با بحرین

کشورهای اروپایی و منطقه خاورمیانه خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس از گذشته پیوندهای عمیق اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی با یکدیگر داشته‌اند. هرچند اروپا نسبت به بازیگری در زمینه امنیت در خاورمیانه شدیداً محدود شده اما می‌تواند به لحاظ اقتصادی و عمدتاً استراتژی امنیتی، نفوذ گسترده‌ای را در منطقه به دست آورد؛ گرچه این نفوذ خود موقوف به ثبات است (Saleh, 1999: 89).

در سال ۱۹۸۸، جامعه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس،^۱ به منظور گسترش همکاری‌ها، وارد مذاکراتی شدند که این گفت‌وگوها منجر به توافقنامه همکاری بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس شد. این توافقنامه در ۲۵ فوریه ۱۹۸۹ امضا و در سال ۱۹۹۰، وارد مرحله عملی شد. براساس توافقنامه اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همکاری‌های دوجانبه در زمینه انرژی، صنعت، تجارت، سرمایه‌گذاری، کشاورزی، علوم و فناوری صورت می‌پذیرد (Colombo and Committeri, 2013: 5).

علاوه بر آن، اتحادیه اروپا با بنیان نهادن برنامه مشترک اروپا-مدیترانه در سال ۱۹۹۵ موفق به گرد هم آوردن کشورهای منطقه خاورمیانه حول سیاست‌های خود شد. هدف اصلی این ابتکار بنیان‌گذاری یک منطقه اقتصادی اروپا-مدیترانه‌ای بود. بر مبنای این طرح که به فرایند بارسلون معروف است، ۲۷ کشور واقع در این منطقه در جهت ایجاد یک منطقه آزاد تجاری و منطقه‌ای با ثبات بر مبنای اصول دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و توسعه مبادلات فرهنگی-انسانی تلاش خواهند کرد. به نظر می‌رسد نگرانی اروپا در این منطقه بیشتر بر روی ساختار اقتصادی متمرکز می‌شود (Echague, 2007: 39).

1. Gulf Cooperation Council (GCC).

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از جمله بحرین، علاوه بر همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری از نقطه نظر نظامی نیز با کشورهای عضو اتحادیه اروپا همکاری دوجانبه و گسترده‌ای دارد. بحرین به عنوان یکی از کشورهای کوچک حوزه جنوبی خلیج فارس بوده که دوسوم از جمعیت مسلمان این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند، با این حال مسئولیت‌های اساسی سیاسی در دست اقلیت اهل تسنن است. این کشور همچون سایر کشورهای عرب این ناحیه، با وجود موارد نقض آشکار حقوق بشر و انتقادهای سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، همواره توانسته از بار مسئولیت آنها در قبال محافل داخلی و بین‌المللی رهایی یابد. از مهمترین موارد نقض حقوق بشر در این کشور می‌توان به بازداشت‌های غیرقانونی و طولانی مظنونان، قوانین تبعیض‌آمیز در مورد زنان، ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی، ممنوعیت آزادی بیان، محدودیت آزادی‌های مدنی، فقدان استقلال قضایی، قاچاق و خشونت علیه زنان اشاره نمود (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۳۸۹).

یکی از موارد نقض حقوق بشر، در ارتباط با خشونت و تبعیض علیه زنان است. عدم حمایت دولت و قوانین تبعیض‌آمیز زنان را در معرض رفتار خشونت‌آمیز در بحرین قرار می‌دهد. در مواردی که زنان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و از شوهرانشان جدا می‌شوند، هیچ قانونی از آنها در برابر شوهرانشان حمایت نمی‌کند. یکی دیگر از مواد نقض حقوق بشری در بحرین، ممنوعیت آزادی اجتماعات و نشست‌ها می‌باشد. تاکنون هیچ حزب سیاسی در کشور بحرین به علت ممنوعیت احزاب سیاسی تشکیل نشده و این احزاب در قالب انجمن‌ها فعالیت می‌نمایند. از جمله اقدامات دولت بحرین محدود کردن فعالیت انجمن‌های سیاسی است. مقام‌های بلندپایه بحرینی حتی با طرح اصلاحات سیاسی مورد نظر امریکا نیز مخالفت کرده و بر این اعتقاد بودند که هر طرحی برای اصلاحات سیاسی در منطقه باید با هماهنگی و همکاری کشورهای منطقه صورت گیرد و تحمیل یک‌جانبه هر دیدگاه خارجی بر کشورهای این منطقه، به نفع کشورهای این حوزه نیست. این انتقادات در حالی است که بحرین مقرر ناوگان پنجم ایالات متحده و یکی از متحدان نزدیک این کشور و غرب به شمار می‌رود (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۳۹۰).

از موارد دیگر نقض حقوق بشر در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از



جمله کشور بحرین، نقض حقوق کارگران مهاجر است. قوانین اسپانسرری روادید^۱ که در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به عنوان سیستم کفالت^۲ شناخته می‌شود، بدین معنی است که کارگران مهاجر خارجی نمی‌توانند بدون رضایت کارفرما، شغل خود را تغییر دهند و بدون اجازه و مهر خروج، توسط کارفرمایان، نمی‌توانند کشور را ترک نمایند و بدین‌گونه کارفرمایان از طریق قانون کفالت، با خودداری از دادن دستمزد و پاسپورت به کارگران، حقوق آنها را استنثار می‌کنند. طبق قانون اسپانسرری روادید، کارگران مهاجر با پرداخت مبلغ ۳۵۰۰ دلار بابت روادید، زیر بار بدهی کارفرمایان می‌روند (قطعنامه ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ پارلمان اروپا علیه قطر). وضعیت بسیار نامطلوب کارگران مهاجر از جمله ساعات طولانی کار، نداشتن بیمه، شرایط کاری پرمخاطره از لحاظ غذا و محل خواب، حتی دسترسی نداشتن به نوشیدن آب در گرمای شدید منطقه به همراه ضبط دستمزد و پاسپورت توسط کارفرمایان، از جمله موارد نقض حقوق بشر در بحرین است. منع آزادی بیان یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در این کشور است. در این راستا می‌توان به بازداشت عبدالهادی الخواجه اشاره نمود. عبدالهادی الخواجه رئیس مرکز حقوق بشر بحرین بود که روز قبل از بازداشتش از نخست‌وزیر بحرین انتقاد کرده و همچنین انتقادهای تندی را نسبت به گزارش‌های اقتصادی و گزارش‌های حقوق بشر بیان نموده بود. نکته قابل توجه این است که قانون اساسی بحرین، پادشاه این کشور را رئیس قوه مجریه، قانون‌گذاری و قضایی می‌داند. همچنین پست نخست‌وزیری و نیمی از وزارتخانه‌های بحرین را خاندان سلطنتی کنترل می‌کند و در واقع کشور بحرین تحت قدرت و سلطه همه‌جانبه خاندان سلطنتی است. کشور بحرین هم مانند سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در موارد مشابهی از نقض‌های حقوق بشری، همواره مورد انتقاد نهادها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. در این مقاله به برخی از مهمترین موارد در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در بحرین، طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۸ اشاره می‌شود. ابتدا قطعنامه‌هایی را که پارلمان اروپا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر علیه کشور بحرین منتشر

1. Visa sponsorship rules.

2. Kafala ° system.

نموده، مورد توجه قرار می‌گیرد.

جدول ۲- فهرست قطعنامه های اتحادیه اروپا درباره بحرین

#	شماره قطعنامه	تاریخ قطعنامه	عنوان	موضوعات اصلی و ملاحظات
۱	P7_TA(2011)0475	۲۷ اکتبر ۲۰۱۱	وضعیت بحرین	محکوم نمودن خشونت، سرکوبی، کشتار مخالفین سیاسی بحرین متوقف نمودن سلاح‌های جنگی علیه مردم احترام به تعهدات بین‌المللی در مورد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی
۲	P7_TA(2011)0109	۲۴ مارس ۲۰۱۱	ارتباط اتحادیه اروپا با شورای همکاری خلیج فارس	محکوم نمودن خشونت، سرکوبی، کشتار مخالفین سیاسی بحرین متوقف نمودن سلاح‌های جنگی علیه مردم
۳	P7_TA(2011)0333	۷ جولای ۲۰۱۱	وضعیت سوریه، بحرین و یمن در ارتباط با وضعیت جهان عرب و شمال افریقا	آزادی فوری و بی‌قید و شرط تظاهرکنندگان نظیر فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و ۴۷ تن از پزشکان و پرستاران بحرینی
۴	P7_TA(2011)0148	۷ آوریل ۲۰۱۱	وضعیت سوریه، بحرین و یمن	محکوم نمودن نیروهای امنیتی سوریه، یمن و بحرین را به استفاده مفرط از سلاح‌های جنگی علیه اعتراض کنندگان، مخالفان و غیرنظامیان احترام به تعهدات بین‌المللی نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به ویژه آزادی بیان، آزادی اجتماعات و گردهمایی
۵	P7_TA(2012)0094	۱۵ مارس ۲۰۱۲	نقض حقوق بشر در بحرین	ارتقای حمایت حقوق بشر در راستای استانداردهای بین‌المللی آزادی بی‌قید و شرط معترضان صلح‌طلب، فعالان سیاسی، مدافعان حقوق بشر، وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران به‌ویژه عبدالهادی الخواجه و مهدی ابودهیب احترام به حقوق بشر، آزادی‌های اساسی، از جمله آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی مذهب، حقوق زنان و برابری جنسیتی
۶	P7_TA(2013)0390	۱۲ سپتامبر ۲۰۱۳	وضعیت حقوق بشر در بحرین	- احترام به آزادی‌های اساسی به‌ویژه آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی گردهمایی و اجتماعات، برابری جنسیتی، حقوق زنان و مبارزه با نژادپرستی و مجازات اعدام - تاکید بر آزادی بی‌قید و شرط زندانیان عقیدتی، فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، پزشکان و مدافعان حقوق بشر از جمله عبدالهادی الخواجه، نبیل رجب، ابراهیم شریف، ناجی فتیل، زینب الخواجه، مهدی ابودهیب و جلیل السلیمان
۷	P7_TA(2011)0032	۱۷ ژانویه ۲۰۱۳	وضعیت حقوق بشر در بحرین	- تاکید بر آزادی زندانیان عقیدتی، فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، معلمان، پزشکان و مدافعان حقوق بشر از جمله عبدالهادی الخواجه، نبیل رجب و سید یوسف المهفدا - لغو هرگونه محدودیت‌های ورود به کشور بحرین برای روزنامه‌نگاران خارجی و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری
۸	P7_TA(2014)0109	۵ فوریه ۲۰۱۴	پرونده افراد خاص از جمله نبیل رجب، عبدالهادی الخواجه و ابراهیم شریف	- تاکید بر آزادی مدافعان و فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، زندانیان عقیدتی و سیاسی - احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شامل آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی اجتماعات، آزادی فناوری دیجیتال، حقوق زنان، حقوق کودک و مبارزه با هرگونه نژادپرستی - اصلاح قوانین کیفری و رویه قضایی

در ادامه، می‌توان به برخی از بیانیه و اعلامیه‌های منتشر شده از سوی نماینده عالی‌رتبه اتحادیه اروپا، در ارتباط با وضعیت حقوق بشر علیه بحرین اشاره نمود: تحولات سیاسی در بحرین (۱۶ ژانویه ۲۰۱۴)، تصمیم دادگاه بحرین در ارتباط با محکومیت ۱۱ تن از فعالان سیاسی (۷ ژانویه ۲۰۱۳)، گفتمان ملی (۱۱ فوریه ۲۰۱۳)، دیدار نماینده عالی رتبه اتحادیه اروپا در نشست شورای وزراء GCC-EU (۱ جولای ۲۰۱۳)، توسعه‌های اخیر در بحرین (۱۹ سپتامبر ۲۰۱۳)، گزارش دومین سالگرد کمیسیون مستقل بازرسی بحرین (۲۵ نوامبر ۲۰۱۳)، خشونت‌ها و سرکوبی مخالفین (۷ نوامبر ۲۰۱۲)، خشونت‌ها و کشتار مخالفین (۲۴ اکتبر ۲۰۱۲)، فرجام‌خواهی دادگاه بحرینی در خصوص پرونده‌های آقای الخواجه و ۱۹ تن دیگر (۵ سپتامبر ۲۰۱۲)، محکومیت آقای نبیل رجب (۱۶ آگوست ۲۰۱۲)، وضعیت آقای عبدالهادی الخواجه (۱۰ آوریل ۲۰۱۲)، وضعیت بحرین، سوریه، مصر و یمن (۱۲ اکتبر ۲۰۱۱)، محاکمه‌های خودسرانه (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱)، محاکمه دادگاه‌های امنیت ملی در بحرین (۳۱ آگوست ۲۰۱۱)، محاکمه‌های خودسرانه (۲۹ ژوئن ۲۰۱۱)، مجازات اعدام (۳ می ۲۰۱۱)، مجازات اعدام ۴ نفر از مخالفان (۲۸ آوریل ۲۰۱۱)، مجازات مرگ دو نفر از فعالان جامعه مدنی بحرین (۱۲ آوریل ۲۰۱۱)، وضعیت عبدالهادی الخواجه در بحرین (۱۰ آوریل ۲۰۱۱). (لازم به ذکر است فقط دو مورد فوق با عنوان محکومیت آقای نبیل رجب در بحرین مورخ ۱۶ آگوست ۲۰۱۲ و وضعیت آقای عبدالهادی الخواجه در بحرین مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۲ در قالب اعلامیه منتشر شده و سایر موارد بیانیه هستند).

همچنین در پی نتایج جلسه شورای اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۱۱ در زمینه حقوق بشر در بحرین، آمده است: «شورا دوباره به طور جدی نگرانی خود را در مورد وضعیت حقوق بشر کشور بحرین ابراز داشته و همچنین عدم پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را در گفتمان، متذکر می‌شود. همچنین شورا عمیقاً در ارتباط با دستگیری تعدادی از افراد به دلیل حق آزادی بیان، که حق قانونی آنها است، ابراز نگرانی می‌نماید. حکومت و نیروهای امنیتی وظیفه مشخصی دارند و باید تماماً به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همه افراد احترام بگذارند. در ادامه، شورای اتحادیه اروپا از همه احزاب و گروه‌ها می‌خواهد که گام‌های هدفدار و محکمی را در

ارتباط با گفت‌وگوهایی سازنده بردارند که منجر به اصلاحات واقعی بشود». همچنین نتایج جلسه شورای اتحادیه اروپا در خصوص وضعیت بحرین در تاریخ ۲۳ می ۲۰۱۱ چنین بیان شده است: «اتحادیه اروپا در خصوص اعدام قریب‌الوقوع دو بحرینی نگران بوده و به طور جدی با مجازات مرگ در همه شرایط مخالفت می‌کند و از مقامات دولت بحرین می‌خواهد که هرچه سریع‌تر به سرکوبی، کشتار مخالفین، بدرفتاری و شکنجه زندانیان و اعدام‌های خودسرانه پایان دهد. اتحادیه اروپا، دولت بحرین را در زمینه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، عقیده و همچنین شفافیت در دادگستری و محاکم قضایی تشویق می‌کند و در خصوص ادعای گزارش شده مبنی بر نقض حقوق بشر مانند شکنجه و بدرفتاری با زندانیان هشدار می‌دهد» (نتایج نشست شورای امور خارجی ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا، ۲۰۱۴).

شایان ذکر است در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی در جهان نیز (سال ۲۰۱۲)، از سوی اتحادیه اروپا درباره بحرین آمده است: «از آغاز تجمع بحرینی‌ها در فوریه ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا به دولت بحرین اعلام می‌کند که از هرگونه خشونت احتراز نمایند و به گفت‌وگو و بحث سازنده و صلح‌آمیز در خصوص اختلاف نظرهای طرفین پردازند. در این گزارش آمده: «بعد از سرکوبی شدید اعتراض کنندگان، فرستاده ارشد نماینده عالی اتحادیه اروپا، کاترین اشتون به سوی منامه جهت گفت‌وگو با طرف‌های مقابل عازم شد. نماینده عالی اتحادیه اروپا همچنین پیامش را به طور مستقیم به وزیر خارجه بحرین و شاه حمد اعلام نمود» (گزارش سالانه ۲۰۱۲ حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، ۱۶۰).

در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی (۲۰۱۱) اتحادیه اروپا نیز اشاره می‌شود که موج فراگیری از اعلامیه‌ها در طول سال ۲۰۱۱ در ارتباط با وضعیت حقوق بشر علیه بحرین صادر شده و نماینده عالی اتحادیه اروپا خاطر نشان کرده بود که لازم است در وقتی معین، دفتر کمیسیونر عالی سازمان ملل، ملاقاتی به منظور بهبود و ارتقا تطبیق و برابرسازی واقعی جامعه بحرین، تنظیم نماید. اتحادیه اروپا در این گزارش، تاسیس کمیسیون مستقل بازرسی بحرین را گام مثبتی از سوی دولت بحرین دانست و عنوان داشت انتظار دارد مقامات بحرین نسبت به انجام

اصلاحات قانونی و مدنی متعهد باشند. اتحادیه همچنین خواهان آزادی زندانیان سیاسی، عقیدتی، روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و فعالان سیاسی نیز شده است (گزارش سالانه ۲۰۱۱ حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، ۲۳۰). در گزارش سالانه ۲۰۱۰ حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا، فقط به پرونده جاسم عبدالمنان، شهروند بنگلادشی اشاره دارد که به جرم قتل در تاریخ ۸ جولای ۲۰۱۰ محکوم به اعدام شده بود. اتحادیه اروپا اعلام می‌دارد عبدالمنان تنها شخصی است که در سال ۲۰۱۰ در بحرین محکوم به اعدام شده است (گزارش سالانه ۲۰۱۰ حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، ۱۳۵). لازم به ذکر است در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی در جهان، در ارتباط با نقض موارد حقوق بشر در بحرین در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، به هیچ موردی اشاره نشده و برای خواننده چنین به نظر می‌رسد که با توجه به تمرکز گزارش حقوق بشری اتحادیه اروپا به اقصی نقاط جهان، هیچ‌گونه موارد نقض حقوق بشر در کشور بحرین صورت نگرفته است! (گزارش سالانه ۲۰۰۸-۲۰۰۹ حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا).

برخی کارشناسان معتقدند با فشارهای اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، برخی ارگان‌های جامعه مدنی نظیر کمیسیون مستقل بازرسی بحرین^۱ در ماه ژوئن ۲۰۱۱ تاسیس شد که به بررسی نقض حقوق بشر و محاکمه‌ها پرداخته و همچنین قضاوت زیر نظر دادگاه‌های امنیت ملی بحرین^۲ دوباره مورد بررسی قرار می‌گیرند. از سویی دیگر، تاسیس وزارت حقوق بشر و توسعه اجتماعی در بحرین^۳ در سال ۲۰۱۲، پلیس دادرسی زیر نظر وزارت داخلی بحرین در جولای ۲۰۱۳ و همچنین تاسیس کمیسیون مستقل بازرسی بحرین^۴ در ژوئن ۲۰۱۱، به منظور بررسی نقض حقوق بشر و محاکمه‌ها (البته فاقد ضمانت اجرایی)، از دیگر تحولات در این زمینه بوده است. با این حال به نظر می‌رسد که علی‌رغم نقض‌های

1. Bahrain Independence Commission of Inquiry (BICI).
2. Courts of National Safety .
3. Ministry for Human Rights and Social Development in Bahrain.
4. Bahrain Independence Commission of Inquiry (BICI).

آشکار حقوق بشری در کشور بحرین، اتحادیه اروپا در این خصوص رفتاری نرم نشان می‌دهد و انتقادات و گزارش‌های فوق، مبنی بر نقض حقوق بشر در قالب گزارشات، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها علیه این کشور بیشتر جنبه صوری دارد و در سایر ارتباطات و تعاملات اتحادیه اروپا با این کشور خللی وارد نمی‌سازد. همچنین اتحادیه اروپا با وجود بحران بحرین و کشتار و سرکوبی شدید مخالفین و غیرنظامیان بحرین توسط ارتش بحرین، تغییر و نوسانی در مناسبات خود با کشورهای این منطقه ایجاد نکرده و اولویت حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا و کشورهای این منطقه بسیار کم‌رنگ می‌شود.

۴. بررسی تطبیقی

در نگاهی تطبیقی می‌توان اذعان داشت که لحن کلیه قطعنامه و بیانیه‌های منتشر شده از سوی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران و بحرین تقریباً مشابه است اما از لحاظ تعداد، کیفیت و شدت عبارات متفاوت هستند. انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در قالب گزارش، اعلامیه و قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و کشور بحرین را می‌توان از چند بعد بررسی نمود: در ابتدا می‌توان انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در تعداد قطعنامه‌ها بررسی نمود. پارلمان اروپا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر، از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، ۱۴ قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و ۸ قطعنامه علیه بحرین تصویب نموده است؛ از سوی دیگر می‌توان انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در تعدد حوزه‌ها مورد توجه قرارداد. به عنوان مثال در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر، اتحادیه اروپا در کشور ایران بیشتر بر مولفه‌هایی نظیر مجازات اعدام و سنگسار، حاکمیت قانون، اصلاح قوانین کیفری، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها (به ویژه بهائیان) تاکید دارد، اما در بحرین بیشتر بر مولفه‌هایی نظیر مجازات اعدام، حقوق کارگران مهاجر، آزادی بیان و اصلاح قوانین کیفری-قضایی اصرار دارد؛ کمیته روابط خارجی اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، بالغ بر ۶۷ مورد بیانیه و اعلامیه فقط در ارتباط با وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران منتشر نموده و این در حالی است که این کمیته، ۱۹ مورد بیانیه و اعلامیه در ارتباط با نقض

حقوق بشر علیه بحرین منتشر نموده است؛ اتحادیه اروپا در مناسبات سیاسی خود با دولت بحرین، تعهدات بین‌المللی تعریف شده از سوی خود را در اولویت قرار نمی‌دهد، اما در کلیه مناسبات سیاسی خود با جمهوری اسلامی ایران، رعایت کلیه تعهدات بین‌المللی تعریف شده از سوی اتحادیه را در درجه اهمیت بالایی قرار داد؛ پارلمان اروپا در قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه ایران و بحرین، هر دو را به یک میزان به نقض حقوق زنان محکوم می‌کند؛ شدت کلمات و عبارات بکار رفته در قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران و بحرین متفاوت است. اتحادیه اروپا در قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بیشتر از کلماتی مانند "نقض فاحش" و "نقض سیستماتیک" حقوق بشری استفاده می‌نماید، اما در قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه بحرین عبارت "نقض جدی" را به کار برده و در مواردی هم که از "نقض فاحش" استفاده می‌نماید، تعدادش به مراتب کم‌تر است؛ اتحادیه اروپا در ارتباط با همکاری نظامی خود با جمهوری اسلامی ایران، آن را منوط به رعایت استانداردهای بین‌المللی از سوی ایران می‌داند، اما در مناسبات نظامی خود با بحرین، علی‌رغم موارد نقض حقوق بشر در این کشور، خللی به روابط دوجانبه‌شان وارد نمی‌آورد. لازم به ذکر است طبق گزارشی از اشیپگل، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین صادرکننده اسلحه به کشورهای خاورمیانه بالانحص کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بوده و تجارت جنگ‌افزارهای اتحادیه اروپا به کشورهای این منطقه در سال ۲۰۱۲ نسبت به ۵ سال گذشته افزایش حجم ۲۴ درصدی داشته است (Leser, 2012: 124)؛ پارلمان اروپا در قطعنامه ۳۱ آوریل ۲۰۱۴ علیه ایران، بیان کرده است که انتخابات ژوئن ۲۰۱۳ جمهوری اسلامی ایران بر طبق استانداردهای بین‌المللی برگزار نشده است. این در حالی است که مردم در بحرین از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی که یک انتخابات ساده است، بازمانده‌اند؛ اتحادیه اروپا در هیچ‌یک از قطعنامه‌ها، بیانه‌ها و یا گزارشات ادامه همکاری و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی-تجاری با کشور بحرین را منوط به احترام به تعهدات بین‌المللی و رعایت اصول و استانداردهای بین‌المللی نمی‌داند. اما از طرفی دیگر اتحادیه اروپا در اکثر قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه جمهوری اسلامی ایران، در کلیه روابطش اعم از سیاسی، اقتصادی-تجاری و نظامی، مسئله حقوق

بشر را در اولویت قراردادده و تاکید می‌کند هر دو به موازات یکدیگر حرکت خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

در کلیت امر می‌توان پذیرفت اختلافات اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، تاثیری بر روابط اقتصادی-تجاری دوطرف طی دهه‌های گذشته نداشته است، کما اینکه تا قبل از تحریم بانک مرکزی و صنعت نفت در سال ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین طرف شریک تجاری ایران بوده است. به نظر می‌رسد بیشترین تاثیر مسائل حقوق بشری و روابط اتحادیه اروپا و ایران در حوزه سیاسی و نظامی است که این تاثیر خود را در کاهش سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک و توقف همکاری‌های نظامی بین طرفین نشان می‌دهد. گو اینکه اختلافات اتحادیه اروپا با ایران در زمینه حقوق بشر تنها دلیل کاهش مناسبات سیاسی و توقف همکاری‌های نظامی میان طرفین نیست. اتحادیه اروپا علی‌رغم نقض‌های آشکار حقوق بشری در بحرین رفتاری سخت، همراه با قطع مناسبات سیاسی و دیپلماتیک انجام نمی‌دهد و با صدور بیانیه، قطعنامه و گزارشات که بیشتر جنبه تصنعی دارد، انتقادات خود را نسبت به این کشور ابراز می‌دارد. در مقابل دولت بحرین هم با تاسیس مراکز حقوق بشری در کشور، که هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارند و فاقد استقلال رأی می‌باشند، از پاسخ به این موارد نقض حقوق بشر در کشور شانه خالی نموده و آنرا با گذر زمان یا ایجاد نهادهای ناکارآمد، به بوته فراموشی می‌سپارد.

منابع

الف) فارسی

- خالوزاده، سعید. ۱۳۸۹. سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپایی در اتحادیه اروپا، هویت، امنیت و سیاست، تدوین سیدعبدالعلی قوام و داوود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صادقی، سیدشمس‌الدین. ۱۳۹۲. ژئوپلیتیک انرژی ایران و رویکرد اتحادیه اروپا، سازمان‌های بین‌المللی، دوره ۱، شماره ۳.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا. ۱۳۸۸. حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش‌ها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا. ۱۳۹۱. ارزیابی تاثیر متغیر حقوق بشر در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد ۱، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نیوجنت، نیل. ۱۳۹۳. سیاست و حکومت در اتحادیه اروپا، ترجمه محسن میردامادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) انگلیسی

- Balducci, Giuseppe. 2008. The Study of the EU Promotion of Human Rights: the Importance and Internal Factors. **Garent**. No.8.
- Colombo, Silvia and Camilla Committeri. 2013. **Need to Rethink the EU-GCC Strategic Relation**. Sharaka. No.1.
- Echague, Ana. 2007. **The European Union and Gulf Cooperation Council**. Democratization Programme. Fride.
- Leser, Leviten. 2012. Weapons Exports: EU Nations Sell the Most Arms to Saudi Arabia. **Der Spiegel**. No.12.
- Saleh, Nivien. 1999. The European Union and Gulf States: A Growing Partnership. **Middle East Policy**. Vol. 7, No. 1.